

اخبار

نوید محمدراده در «آکتور» از

کلیشه نقش‌های لمبن فاصله می‌گیرد



منتقد سینما و تلویزیون گفت: نوید محمدراده در نقش آدم‌های روانی و سطح پایین و لمبن کلیشه شده بود و در «آکتور» توانست از این کلیشه فاصله بگیرد.
در این سریال جنبه‌های انسانی نقشی که بازی می‌کند قوی‌تر است.

بهراد عشقی در گفت‌وگو با ایرنا، با اشاره به بازی نوید محمدراده در نقش آدم های معتاد، قاچاقچی، روانی و لایه‌های پایین جامعه اظهار داشت: یک سری بازیگرها در فیلم‌های سعید روستایی، هومن سیدی و عبدالرضا کاهانی در این نقش‌ها کلیشه شده‌اند که نوید محمدراده هم یکی از آنهاست.
در این نقش‌ها انسان زیر سیطره جبر است و قدرت تغییر ندارد. اما بازی نوید محمدراده در «آکتور» متفاوت است و جنبه‌های انسانی قوی دارد.

عشقی با تأکید بر این که «آکتور» از نظر دکوپاژ، ضرابهنگ و فضاسازی از بقیه سریال های نمایش خانگی بهتر است توضیح داد: نیما جاویدی سابقه خوبی در کارگردانی دارد. ولی سریال جدیدش دچار تکرار می‌شود. او تلاش می‌کند ماجراهایی که به وجود می‌آورد شبیه به هم نباشد. ولی ما می‌دانیم همیشه دو نفر هستند که در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند و می‌خواهند یک بازی را پیش برند. این دو نفر هر بار کلک می‌زنند.

به گفته این منتقد نه پردازی آکتور جاذبه لازم را برای یک سریال ندارد و جذابیت داستانی اش قرو می‌ریزد. قصه احساس کنجکاو را در مخاطب به وجود نمی‌آورد و فراز و فرودهای داستانی را ندارد.

وی افزود: در قسمت اول سورپرایز کردن یک آدم روانی را می‌بینیم. مرد یک زن را تا حد مرگ می‌ترساند و می‌گوید که من تو را سورپرایز می‌کنم. زن هم خوشحال می‌شود که جواهر هدیه گرفته است. کارگردان اگرچه این اقدام را تایید نمی‌کرد؛ ولی زد هم نمی‌کرد.

عشقی با تأکید بر این که آکتور برای من جذابیتی ندارد اظهار داشت: قصه سریال به گونه ای نیست که کنجکاو باشم در ادامه چه اتفاقی قرار است بیفتد.

به گزارش ایرنا، سریال آکتور به نویسندگی و کارگردانی نیما جاویدی و تهیه‌کنندگی مجید مطلبی از نمایش خانگی بخش می‌شود.

این اولین تجربه سریال‌سازی نیما جاویدی است که در حضور بازیگرانی چون نوید محمدراده، احمد مهرانفر، هستی مهدی هومن برق نورد، سها نیاستی، گلاره عباسی، هانیه توسلی و مهراوه شریفی نیا تولید شده است.

علت درگذشت بتول فیروزان

به گفته مهدی فیروزان، بتول فیروزان، درگذشت به تا‌رگی از دنیا رفت به دلیل اشتباه پزشکی از ۲۰ سفندماه در بیمارستان در بیپوشی به سر می‌برد.

به گزارش ایسنا، بتول فیروزان، فرزند مهدی فیروزان (مدیرعامل شهر کتاب) و حورا صدر که متولد سال ۱۳۴۷ بود، روز دهم فروردین‌ماه از دنیا رفت اما علت درگذشت این مترجم جوان که دانش‌آموخته مطالعات روانکاو نظری از دانشگاه UCL لندن بود، اعلام نشده بود.

پیش‌تر مهدی فیروزان در متنی خطاب به دوستانش گفته است: «تا امروز سکوت کرده‌ایم که در این ایام خوش و طرب‌انگیز اندکی مزاحم ذهن و قلب شما نشویم. اما چه چاره کنیم که به داعی بی‌شکایت و یاران و بندگان خوب خداوند در این ماه رحمت و برکت و ضیافت الهی سخت نیازمندیم.

دستر گرانمایه و اندیشمندم از ۲۰ ماه اسفند به شب یک اشتباه پزشکی در بی‌پوشی است. ده‌ها پزشک و استاد صمیمانه و شانه‌نروزی تلاش کرده‌اند اما اثری از بهبودی ظاهری دیده نمی‌شود. آنها بر بالین بتول ما تلاش می‌کنند و ما بر در خانه فاطمه و ایهبا و یعلها و ینها. پروردگار متعال قول و امر فرموده‌اند که : **إِنَّ رِجْمَ حَبِيبٍ كَرِيمٍ يَسْتَجِیْ مِنْ عِبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَیْهِ أَنْ يَرُدَّهُمْ صِفْرًا**.ان‌شاءالله خداوند به سبب عنایتش به شما دخترم را شفا دهد. با سپاس خاص».

به گزارش ایسنا، این کارگردان سرشناس سینمای ایران در مرداد ماه سال ۹۵ به بهانه نمایش «روسری آبی» این سخنان را در سینما تک خانه هنرمندان ایران مطرح کرده بود.

او پس از نمایش فیلم که با کیفیت پایین نسخه نمایش داده شده و به ویژه در بخش صدا باعث گله و ناراضایتی دست‌اندرکاران این فیلم شد، این سخنان را مطرح کرد، کیفیت نمایش فیلم به گونه ای بود که در آن مراسم، عزیز ساعتی (مدیر فیلمبرداری فیلم) ترجیح داد با همان خاطرات خوشی که در ذهن دارد، بدون هیچ صحبتی گفته‌های حاضران را بشنود.

رخشان بنی‌اعتماد درباره نسخه کپی شده فیلم «روسری آبی» که در سالن به نمایش درآمد، گفته بود: به عزیز ساعتی حق می‌دهم، چرا که حدود ۲ ماه قبل برای برنامه‌ای به مناسبت مرور آثارم مدت طولانی به دنبال کپی‌های باکیفیت و خوب از فیلم‌هایم بودم اما واقعیت این است که این مشکل تقصیر فرهنگ ماست که چنان با سر در هر پدیده‌های سیرچه می‌زنیم که فرق سر را می‌شکافیم. در نتیجه این موضوع تقصیر فیلمخانه هم نیست چرا که خانم طاهری (مدیر فیلم‌خانه ملی ایران) واقعاً تلاش اساسی می‌کند اما آخرین کپی‌هایی که از روی نسخه‌های ۳۵ به صورت دیجیتال زده شده آن‌چنان که باید خوب نیستند و ای کاش قبل از بسته شدن لابراتورها کپی‌های بهتری تهیه می‌شد.

وی با بیان اینکه تهیه نسخه‌های کپی شده با کیفیت بالا از فیلم‌هایش یکی از دغدغه‌هایش است، مطرح کرده بود: نسخه‌های دیجیتال قابلیت لازم را برای تهیه کپی‌های باکیفیت ندارند و الان چاره‌ای نیست جز اسکن و مرمت فیلم‌های موجود که آن هم کار هزینه‌بری است و هر سال فقط برای تعداد اندکی از فیلم‌ها این کار انجام می‌شود، به همین دلیل تا بخوهد نوبت به آثار من برسد زمان به نسل من و بعدتر از من نخواهد رسید.

رخشان بنی‌اعتماد در بخش دیگری از سخنانش گفته بود: این که الان شخصاً سینما را دیگر به جا نمی‌آورم به این دلیل است که روابط و مناسبات تغییر کرده و غریبه شده‌است و خیلی از آن واقعیت‌ها که سراسر عشق و شور بوده، را سخت است که دوباره به وجود آوریم.

کارگردان فیلم «قصه‌ها» با اشاره به اینکه شاید گفته شود باورهای ما احد دقیانوسی است، گفته بود: ما با همان باورهای احد دقیانوسی فیلم می‌سازیم و لازم نیست کسی ما را ممنوع‌الکار کند به همین دلیل وقتی گفتم خودتحریمی می‌کنم و کسی نمی‌تواند مرا ممنوع‌الکار کند؛ باز هم اینجا تکرار می‌کنم چون من هنوز با همان توقع و مناسبات دهه شصت و ۷۰ فیلم می‌سازم و نمی‌توانم این شرایط را تغییر بدهم و باید خودم را تغییر بدهم.

رخشان بنی‌اعتماد که متولد ۱۳۳۳ است با دستیاری در فیلم‌های «آفتاب نشین‌ها»، «گل‌های داوودی»، «تحفه‌ها» و «تنوره دیو» فعالیت خود را در عالم فیلمسازی آغاز کرد، در دهه ۷۰ با فیلم‌های سینمایی «ترگس»، «روسری آبی»، «بانوی اردبیل‌نهد» و

نقش برجسته‌سسانیی چگونه به انگلیس قاچاق شده‌است؟

فروردین ۱۳۴۷



گشت مرزی بریتانیا یک نقش‌برجسته‌ ساسانی به ارزش احتمالی ۳۰ میلیون پوند را درحالی کشف و ضبط کرد که احتمال داده شده این سنگ‌نگاره از یک صخره در شیراز کنده شده و بعد به انگلیس قاچاق شده است، اما این شیء تاریخی چگونه از ایران جدا و بعد خارج شده و از بریتانیا سر درآورده‌ است؟

به گزارش ایسنا، خبر کشف این نقش‌برجسته ساسانی را روزنامه گاردین شنبه ۱۲ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ اعلام کرده است، درحالی‌که مسئولان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هنوز نسبت به این خبر واکنشی نشان نداده و توضیحاتی ارائه نکرده‌اند. اکنون این پرسش مطرح است که نقش‌برجسته دو هزار ساله چگونه و از کدام محوطه تاریخی جدا شده و به چه شکل از کشور خارج شده که کسی تاکنون متوجه آن نشده است؟

روزنامه گاردین نوشته که این نقش برجستهٔ قاچاق‌شده در فرودگاه لندن توسط گشت مرزی بریتانیا کشف و ضبط شده و قرار است پیش از بازگشت به خانه (ایران) در موزه بریتانیا به نمایش گذاشته شود. مسؤ‌ولان موزه بریتانیا اعلام کرده‌اند از دولت ایران اجازه نمایش این گنجینه باستانی را به مدت سه ماه دریافت کرده‌اند و سپس، آن را به

کارنامه رخشان بنی‌اعتماد به بهانه سالروز تولدش بررسی شد

روای قصه‌هایی از زیر پوست شهر

رخشان بنی‌اعتماد که امروز ۱۴ فروردین ماه سالروز تولدش است، سال‌ها قبل گفته است: دلم می‌خواهد یک کپی اساسی از فیلم‌هایم وجود داشته باشد و ای کاش قبل از بسته شدن لابراتورها هوشیاری را می‌داشتیم و یک کپی باکیفیت بالاتر از فیلم‌ها تهیه می‌کردیم.



«زیر پوست شهر»توانست یکی از جریان‌سارترین سینماگران اجتماعی‌ساز ایران باشد.

او با «ترگس» که برنده سیمرغ بلورین بهترین مطرح در سینمای اجتماعی داستانی ایران بدائیم، باید او را مستندساز معرفی کرد. همان‌طور که خودش بارها سیمرغ بهترین فیلم، فیلم‌نامه را گرفت و به نوعی رکورددار دارندگان سیمرغ‌های جشنواره شد و با ساخت «گیلانه» نیز بعد از سال‌ها این اتفاق را تکرار کرد و در ادامه برای «خون‌بازی» سیمرغ گرفت.

بنی‌اعتماد پیش از ساخت فیلمهای جریان‌ساز به عنوان اولین کار بلند سینمایی در سال ۶۶ «خارج از محدوده» را ساخت که آن فیلم برنده جایزه جشنواره

فیلم‌های کمی ایتالیا شد و در سالهای ۶۷ و ۶۸ به ترتیب «زرد قناری» و «بول خارجی» را جلوی دوربین برد تا اینکه در سال ۷۰ «ترگس» را ساخت.

بنی‌اعتماد در گفت‌وگویی درباره‌ی علاقه‌اش به ساخت فیلم‌های اجتماعی گفته بود: «من کار فیلمسازی را زمانی شروع کردم که پایه‌های سینمای اجتماعی در میان جمعی از مستندسازان تلویزیون گذاشته شد. نگرش آن فیلمسازان و کارگгерی دوربین به‌عنوان سلاحی در برابر نابرابری‌های اجتماعی، نگاه مرا به سینما شکل داد؛ هر چند، چند سال دیگر آن جمع به دلیل نگاه مدیریت دولتی تلویزیون از هم پاشید.

من به عمد به سراغ ساخت فیلم‌های اجتماعی نرفته‌ام، بلکه این موضوعات هستند که مرا انتخاب و



باز هم اینجا

تکرار می‌کنم

چون من هنوز

با همان توقع و

مناسبات دهه

شصت و ۷۰

فیلم‌می‌سازم

و نمی‌توانم این

شرایط را تغییر

بدهم و باید

خودم را تغییر

بدهم

بنی‌اعتماد علاوه بر ساخت مستندهای وقایع‌نگارانه اجتماعی تلخ، فیلم مستندی همچون «آخرین دیدار با ایران دفتری» را در سال ۷۴ ساخت که همراه با ایران دفتری چند روزی بر روی صحنه تئاتر واستودیو ژورک، مکان‌های یادآور یک عمر کار بازیگری او را به یاد آورد و در شرایط پرتلاش و هیجان‌انگیز انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۰ «روزگار ما» را ساخت در حالیکه ده روز قبل از انتخابات تصمیم به ساختن گرفت. فیلمی که به گفته خودش «اسندی است که اگر روند اصلاحات به شکست برسد باید در مقابل تاریخ جواب داد»

او بعد از «خون‌بازی» درحالیکه فیلم داستانی و سینمایی چند سال نساخت، دو مستند تأثیرگذار جلوی دوربین برد. مستندهای «حیات خلوت خانه خورشید» و «ما نمی‌ا جمعیت ایران هستیم»؛اولی درباره‌ی «خانه‌ی خورشید» که به عنوان اولین مرکز کاهش آسیب‌های اعتیادی زنان بود و مستند دیگری درباره‌ی وضعیت تشکل‌های زنان در آستانه‌ی انتخابات اخیر ریاست جمهوری بود. او در سال ۹۲ «قصه‌ها» را به عنوان کارگردان ساخت و بعدتر به تهیه‌کنندگی مستندهای «کارتان»پرداخت.

بنی‌اعتماد برای فیلم‌نامه «قصه‌ها» شیر جشنواره فیلم ونیز را گرفت و همچنین از دیگر جوایز مهم بین‌المللی‌اش برای این فیلم جایزه ویژه هیات داوران آسیاسیاقیاد بود که به اسکار آسیایی معروف بود.

فرهنگ و هنر

اخبار

در آستانه ۹۳ سالگی

کلینت ایستود آخرین فیلمش را می‌سازد



کلینت ایستود آخرین فیلمش را برای کمپانی برادران وارنر می‌سازد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از کولیدر، بازیگر و کارگردانی که نزدیک به ۵۰ فیلم در طول ۶ دهه فعالیت هنری در کارنامه دارد، آخرین فیلمش را می‌سازد.

ایستود ۹۲ ساله در حال شروع کارگردانی فیلمی است که از آن به عنوان آخرین فیلمش یاد شده است.

وی که نزدیک به ۵۰ سال با کمپانی برادران وارنر همکاری کرده قصد دارد آخرین فیلمش را نیز برای همین کمپانی کارگردانی کند.

کلینت ایستود از زمان اکران «گرن تورینو» در سال ۲۰۰۸ به طور انحصاری برای برادران وارنر کار کرده است و ۱۰ فیلم دیگر از جمله «تک‌تیرانداز آمریکایی»، «سالی»، «ریچارد جول» را برای آنها ساخته است.

از آخرین پروژه ایستود با عنوان «هیات منصفه شماره ۲» یاد شده که درباره یک عضو هیات منصفه در رسیدگی به یک پرونده قتل در دادگاه است که ممکن است قاتل خود او باشد.

درباره تاریخ شروع فیلمبرداری چیزی گفته نشده اما به نظر می‌رسد ایستود مذاکره با یک ستاره هالیوودی جوان را برای نقش اول آغاز کرده است. هر چند ایستود درباره بازیکنستگی چیزی نگفته اما به نظر می‌رسد وی در آستانه ۹۳ سالگی باید پس از این فیلم به بازنستگی فکر کند. وی ۴ جایزه اسکار در کارنامه دارد و فیلم «هیات منصفه شماره ۲» چهلیمین فیلم‌است که کارگردانی می‌کند و مکمل میراث بزرگ بازیگری وی است.

فروردین ۱۳۴۷

شوخا دختر باتر بیگر خیر ساز شد

دروغ ۱۳ دامن سارا پولی را گرفت

دختر ۱۱ ساله سارا پولی در شوخی با مادرش با نامه‌ای از جانب اسکار از وی خواست جایزه‌اش را پس بدهد.

به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، برای شوخی روز اول آوریل (مترادف با ۱۳ فروردین) طی نامه‌ای به سارا پولی که برای «زنان حرف می‌زنند» برنده اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی شد گفته شد جایزه‌اش را پس بدهد تا به فیلم «در جبهه غیب خوری نیم است» داده شود.

اما اسکار سارا پولی در واقعیت توسط آکادمی لغو نشده بود و این نامه را دختر ۱۱ ساله این کارگردان و نویسنده برای مادرش ارسال کرده بود تا دروغ نیم است را به جا آورد.

سارا پولی دیروز نامه‌ای را در توئیتر به اشتراک گذاشت و نوشتن آن را گردن دخترش ایو انداخت. این یادداشت که پیامی تایپ شده بود درخواست می‌درد تا سارا پولی اسکارش را برگرداند تا به فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» که برنده اصلی بود پس داده شود. نامه با نام دیوید روبین رییس آکادمی اسکار امضا شده بود.

در این نامه گفته شده به شما یک هفته دیگر فرصت می‌دهیم تا از داشتن جایزه‌تان در خانه لذت ببرید اما پس از آن باید جایزه اسکار را به لس‌آنجلس پست کنید.

در این نامه همچنین به ماجرای سال ۲۰۱۷ که در آن (لالاند، به اشتباه به عنوان برنده بهترین فیلم به جای «مهتاب») خوانده شد اشاره شده و نوشته شده که در شب اهدای اسکار متوجه این اشتباه شدیم اما نمی‌خواستیم ماجرای «مهتاب» تکرار شود و از آنجا که شهروندان تورتو احتمالاً بسیار عصبانی می‌شوند، نمی‌خواهیم این اخبار به صورت رسمی منتشر شود.

پولی توضیح نداده که چقدر این نامه را باور کرده و تنها نوشته: کاری که دختر ۱۱ ساله‌ام برای روز اول آوریل انجام داد.

در پاسخ به این توئیتر امواد برگ که به عنوان نویسنده فیلمنامه «در جبهه غرب خبری نیست» در کنار لسلی پاترسون و ایان استوکل از نامزدهای دریافت این جایزه بود نوشته است: سارای عزیز برای صرفه‌جویی در هزینه‌های پست، آکادمی من خواسته تا آدرسم را در اختیارت بگذارم تا بتوانی آن را به صورت مستقیم برای من بفرستی!

گرچه «در جبهه غربی خبری نیست» نتوانست در بخش فیلمنامه اسکار بگیرد اما از ۹ نامزدی اسکار ۴ تای آنها را برد.

بهاءالدین خرمشاهی:

از سفر می‌ترسم مثل حافظ



ایرانیها خیلی فرق دارد. اما غذا خوردن یا خوردن غذا و احساس سیری و گرسنگی همه‌جا یکسان است.

بنده فقط به یک سفر اعتقاد دارم آن هم سفر حج است، و پس از آن سفر آخرت و رباعی در این باره سروده‌ام: «این بنده همیشه در وطن خواهد بود/ بیزار از آمدن – شدن خواهد بود/ هرگز نرم سفر مگر از دنیا/ آن نیز خلاف میل من خواهد بود».

- نه شب یا سحرگاه دوازدهم.

هیچ دلیلی، قریب‌های، چیزی دارید؟

- بله پدرت می‌گفت خدا را شکر که تولد تو به شب یا روز سیزدهم فروردین

تکشد.

بعدها کتابی از پدرم را پیدا کردم که در حاشیه‌اش نوشته بود بنده در سحرگاه دوازدهم فرودین به دنیا آمده‌ام. او دلیلی نداشته که نادرست بگوید!نبویسد.

بهاءالدین خرمشاهی می‌گوید همواره از سیاست نظری و عملی بی‌اطلاع و گریزان بوده و معتقد است بی‌حسی سیاسی و بی‌علاقگی‌اش به سیاست را از پدرش به ارث برده‌است.

ترس از سفر یکی از ویژگی‌های این حافظ‌شناس است که به گفته خودش برخی گمان می‌کنند این ویژگی تقلید از حافظ است. او نوشته است: «ترس از سفر هم در بنده ریشه‌ای عمیق دارد. خوشبختانه در کتاب انگلیسی که

درباره ترس‌های بیمارگونه بی‌دلیل است، و صدها ترس مرضی را از غبارترسی، گریه‌ترسی، تاریکی‌ترسی، تنهایی‌ترسی، ترس از ارتفاع، ترس از آسانسور و مکان مسدود، و برعکس ترس از مکان باز و غیره مطرح کرده است، و نامش Phobias به مدخل و مقوله «ترس از سفر» (travel phobia) برخوردم. بعضی از دوستانم که این ترس وسواسی من خیر دارند و می‌دانند که حافظ‌پژوه هستم، گمان می‌کنند که این وسواس را به تقلید از حافظ در پیش گرفته‌ام. حال آن که من با حافظ فقط همدردم. و البته به شعرهای ضدسفر او هم استاد می‌کنم.